

خواستہ بستہ گان قربانیان جنگ؛

اول آتش بس، بعد صلح قربانی محور



حدود دو سال پیش، جوانان زیر یک سقف سرگرم خواندن درس‌های‌شان بودند که انفجار مهیبی رخ داد. انفجاری که آرزوهای فراوان دانش‌آموزان و کارمندان یک آموزشگاه را به خاکستر نشاند. در این انفجار که در آموزشگاه موعود رخ داده بود، ۴۸ دانش‌آموز کشته شدند و ۶۷ دانش‌آموز دیگر زخم برداشتند. هنوز هم ترس برخاسته از آن انفجار، دست از سر دانش‌آموزان این آموزشگاه برنمی‌دارد. این ترس امروز کار را به جایی کشانده که خانواده‌های قربانیان، برای پایان آن، حتما حاضر اند خون قربانیان آن «رویداد بنیادبرانداز» را ببخشند. اکنون و در جریان مذاکرات، خانواده‌های قربانیان گرد آمده‌اند تا بگویند که جنگ‌های‌شان را بریده است و صلح می‌خواهند. صلحی که قیمت آن از دست دادن عزیزان‌شان است. این خانواده‌های طرفه‌هایی که با هم درگیر نبود، توقع دارند که به نانوای مردم در پرداخت قیمت‌های جبران‌ناپذیر جنگ توجه کنند و به «این تقابل منجوسی» نقطه پایان بگذارند.



ادامہ مذاکرات دوحہ؛

هیأت دولت و طالبان منتظر نهایی شدن اصول و اجندای مذاکرات اند



بررسی اظهارات تازه محب و سراج؛

آیا به نیروهای دولتی توهین شده است؟

مقامات بلندپایه امنیتی در جریان چند روز اخیر، سخنانی را مطرح کرده‌اند که از یک‌طرف برای مردم بسیار ناامیدکننده است و از طرف دیگر برای نیروهای دفاعی و امنیتی کشور توهین‌آمیز است. احمدضیا سراج، سرپرست ریاست عمومی امنیت ملی، روز دوشنبه، ۲۴ سنبله، در نشست استجوابی مجلس نمایندگان از کارنامه نیروهای خیزش مردمی دفاع کرد.

آیا تنش عربستان و قطر بر مذاکرات صلح افغانستان اثر می‌گذارد؟



سرخى بوټها دلش را شاد كرده بود. دانسته بود اين چيزى است كه مى‌تواند روزها او را خوشحال نگه دارد. از صاحب دكان قيمت بوټها را پرسيده بود. نه خيلى گران بود، نه خيلى ارزان. مى‌توانست با پول‌هاى كه جمع كرده بود، آن را بخرد. مى‌توانست تعداد بيش‌ترى دستمال گل‌دوزى كند و به خود اندكى بيش‌تر سختى بدهد تا بتواند بوټه‌هاى سرخ را به خانه ببرد. با همين روايا به خانه برگشته ...

یک سناتور پیشین و چهار غیرنظامی دیگر در بلاغیس تیرباران شدند

۸ صبح، هرات: مقام‌های محلی بادغیس می‌گویند که یک سناتور پیشین همراه چهار غیر نظامی از سوی افراد تنفگذار ناشناس در این ولایت تیرباران شده است. امیر شاه نایب‌زاده، نماینده بادغیس در مجلس نمایندگان، تأیید می‌کند که این افراد حوالی چاشت روز دوشنبه، بیست و چهارم سنبله، در مسیر ولسوالی «آب کرمی» تیرباران و کشته شده‌اند.

برخی منابع معتبر محلی در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این رویداد در مناطق زیر کنترل طالبان روی داده و اجساد قربانیان قرار است به مرکز ولایت بادغیس انتقال داده شود.

مقام‌های امنیتی و دفتر سخنگوی والی بادغیس، حاضر نشدند در مورد چگونگی این رویداد چیزی بگویند، اما برخی منابع غیردولتی تأیید می‌کنند که همراه این سناتور پیشین چهار پیرمرد نیز تیرباران و کشته شده‌اند.

عبدالله خرمدان، از فعالان مدنی بادغیس، در صحبت با روزنامه اصبح می گوید که نبرد میان نیروهای امنیتی و طالبان در ولسوالی آبکمری طی روزهای اخیر افزایش یافته و شام روز یکشنبه، بیستوسوم سنبله، دو نوجوان از سوی طالبان کشته شدند. افزون بر این، چاشتم روز یکشنبه به دنبال انفجار یک موتر زرهی هاموی در مربوطات ولسوالی آبکمری بادغیس، پنج سرباز ارتش ملی کشته شدند. رنگین خان مشکوایی، مردی که از سوی افراد مسلح تیرباران شده است، از ستانوران پیشین و بزرگ قوموی در ولایت بادغیس بوده است. او در موارد گوناگونی برای از میان رفتن مشکلات مردم به عنوان «میجانی» به مناطق زیر کنترل طالبان می رفت.



چرا بهای مواد ساختمانی در هرات افزایش یافته است؟



یونس قاضی‌زاده، رئیس اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید بر اساس مشکلاتی که در گمرک است، بازرگانان نمی‌توانند مواد و کالای وارداتی را در زمان مناسب ترخیص و بارگیری کنند و کرایه انتقال یک تن سمنت از ۲۰ دالر به ۶۰ دالر افزایش یافته است.



د کړيکيت هيجان - راشد خان د مانستر انرژي سره يوځای شو!

راشد خان؛ د افغانستان کريکيټ رېسټنټي ستوری، د نړۍ له تر ټولو غوره توپ اچونکو او اوسمهال په افغانستان کې د ماسټر انرژي لوبغاړی دی. په لومړي ځل د گران افغانستان په ختيځ ننگرهار ولايت کې ۲۱ کلن راشد خان د يوه نوې ځوان په توگه د مسلکي کريکيټ برخې ته په راتلو يې مخينې ريکارډونه په خپل کارنامه کې ثبت کړل، که څه هم د وروستيو دوو فصلونو په بهير او په يوې نړيوالې خپري د بدليدو لپاره راشد خان بېکه پرمختگ درلودلی دی. په ۱۹ کلنۍ او ۱۶۵ ورځني ژوند کې، راشد خان د ۲۰۱۸ م کال د نړيوال مقدماتي پړاو جام برخه کې د افغانستان کريکيټ ملي ټيم د کيټناتي مسودې ته پرمخ غاړه درلود، ددې کار په ترسره کولو سره هغه د نړيوال کريکيټ په تاريخ د تر ټولو ځوان کيټنات په توگه مطرح شو. که چېرې يې پر ۲۰ کلنۍ قدم کيښود. راشد خان د نړيوال کريکيټ شورا په طبقه بندۍ کې د تر ټولو ځوان کريکيټ لوبغاړي لقب خپل او د نړيوالو مخکښو لوبغاړو جدول په سر کې قرار وموند، د څوارويو په تيريدو او د ۲۰ اوږه تر ټولو لويو په ترسره کولو سره، هغه يو ځل بيا د غوره توپ اچونکي په توگه د نړيوال کريکيټ شورا د تر ټولو ځوان کريکيټ لوبغاړي لقب خپل کړ. له دې سره سره، اووه مياشتې وروسته راشد خان د اسيا اتلولۍ لوبو کې د فوق العاده وړتيا په ښودلو سره هلته هم د تر ټولو غوره لوبغاړي لقب خپل کړ - چې په هغه لوبه کې يې ۱۰ وېکېتي او ۸۷ مېنډي په يوه حد اوسط ۴۳.۵۰ کې له ځانه نندارې ته وړاندې کړې. د لوړو پړاو لېسې لقبونو په ترلاسه کولو سره راشد خان د اکتوبر په مياشته کې يو بل د نړيوالو لوبغاړو لقب لاس ته راوړ، ټوپال يې په نړيوالو لوبو کې ۱۷۶ وېکېتي خپل کړې، چې د کينيس په کتاب کې يې د تر ټولو ځوان وېکيټ اخيستونکی په ډلگډون په ځاين شو. نوې ثبت کړ.

اوسمهال د ماسټر انرژۍ کورنۍ د دایمي غړي په توګه دروان کال په پای او د افغانستان په استازیتوب راشد خان د ماسټر نښان په په خپل تخنیکي سبک او سوداګریز نښان و نړیوال کریکېټ په صحنه کې نندارې ته وړېاندې کړي. راشد خان د خپل نوې قرارداد د لاسلیک کولو پر وخت وویل: "دا چې د ماسټر انرژۍ له کورنۍ سره یوځای کېم، بې سارې خوشحاله یم، د یو بل په مرسته به په راتلونکي کې ډیر نور ریکارډونه مات او نوو لوړو ریکارډونه ته به ورسېږو."

د راشد خان اړوند لاپيرويو معلوماتو لپاره، لاندې انستاکرام نېټلون ته سرورښکاره کړئ:

<https://www.instagram.com/rashid.khan19/>

د راشد خان انځورونو لیدلو لپاره:

<https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mId=ab3a9ad02efd3b471a9463c5ebf226c10d585>



قانون اساسی قابل معامله نیست

شماری از اعضای گروه طالبان در حاشیه‌ی مذاکرات صلح گفته‌اند که باید تعدیلاتی در قانون اساسی افغانستان آورده شود و این موضوع یکی از موضوعات مورد بحث در اجلاس دوحه خواهد بود، طالبان تأکید دارند که قانون اساسی افغانستان هم‌ااش با شریعت اسلام سازگار نیست و تعدیلات می‌تواند این قانون را اسلامی‌تر سازد. طالبان قبلاً هم گفته بودند که قانون اساسی افغانستان مانع فراروی صلح است. هر چند بعداً مشخص شد که این قانون هیچ نوع مانعی در مقابل آغاز گفت‌وگوهای صلح ایجاد نکرده بود. واضح است که طالبان اول باید ثابت سازند که این قانون مغایر شریعت اسلام است. زیر چتر همین قانون، صدها هزار عالم دین و شهروندان مسلمان زنده‌گی می‌کنند. قانون اساسی افغانستان تأمین‌کننده کرامت انسانی، ارزش‌های ملی، عدالت اجتماعی و حقوق بشری است. طالبان از یک‌سو تأکید بر این دارند که حقوق بشر در چوکات شعار دینی از سوی‌شان پذیرفته می‌شوند، اما احتمالاً مهم‌ترین بخشی که آن‌ها را وادار کرده تا در مورد قانون اساسی افغانستان دیدگاه داشته باشند، نیز همین مباحث حقوق بشری است. این قانون از دموکراسی حرف می‌زند. در دموکراسی مردم حق انتخاب دارند، هیچ قانونی که حق انتخاب را از مردم سلب کند، مورد پذیرش جامعه افغانستان نخواهد بود. هیچ عالم دینی بی‌طرفی تا اکنون قانون اساسی افغانستان را فاقد اعتبار دینی - مذهبی عنوان نکرده است. احکام و ارزش‌های دینی اتفاقاً در تار و پود این قانون نهفته است. ماده سوم قانون اساسی، قوانینی که در مغایرت با اصول و قوانین اسلامی در افغانستان قرار دارد را مردود می‌داند. موادی که در مورد تعلیم و آموزش است، دولت را به انکشاف تعلیمات دینی و تنظیم و بهبود نهادهای دینی به شمول مساجد و ایجاد نصاب تعلیمی که استوار بر احکام اسلامی باشد، ملزم می‌سازد. بر اساس قانون اساسی، نامزدان ریاست جمهوری و معاونین وی باید مسلمان بوده و ملزم به پیروی از دین اسلام و محافظت از آن هستند.

ستروم‌محکمه را مکلف می‌سازد تا عدالت را مطابق با احکام اسلامی تأمین کنند. هم‌چنین قضات را ملزم می‌سازد که هر گاه برای قضیه‌ای از قضایای مورد رسیده‌گی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، احکام فقه حنفی و شیعه را در زمان حل‌وفصل قضایا مورد استفاده قرار دهند. قانون اساسی حق ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی را تضمین می‌کند و تصریح می‌کند که مرام‌نامه یا اساس‌نامه احزاب باید در مغایرت با دین اسلام نباشد. تلفیق مواد متذکره، اسلام را به عنوان رکن اساسی دولت تثبیت می‌کند.

بحث نفوذ و همکاری غرب در تدوین قانون اساسی که گاه‌گاه توسط طالبان مطرح می‌شود، پذیرفتنی نیست. غربی‌ها در دوران حضورشان در افغانستان صدها مکتب، سرک و دیگر ضروریات را آماده ساختند، چطور ممکن است که به دلیل ساخته شدن آن‌ها باید همه‌شان را آتش بزنیم. خارجی‌ها در زمان تدوین قانون اساسی افغانستان نقش حمایتی و تخنیکی داشتند. این قانون در آن زمان توسط نماینده‌گان لویه‌جرگه تهیه شد. نماینده‌هایی که مسلمان بودند، افغان بودند و به ارزش‌های مردم ما باور داشتند. قانون اساسی افغانستان در حال حاضر، جامع‌ترین قانونی است که نیازی به دست‌کاری و تعدیل ندارد. اگر بهانه‌گیری را کنار بگذارند، طالبان هرگز نمی‌توانند ماده و یا ماده‌هایی را در این قانون نشان دهند که با هیچ ارزشی در افغانستان مغایرت داشته باشد. خوب است که رهبران این گروه با حقوق‌دانان، علمای دینی و قانون‌دانان در این مورد گفت‌وگو کنند. در غیر آن این قانون را دوباره بخوانند و درباره این تقاضای خودشان مکث کنند.

اگر هدف طالبان از تغییر در قانون اساسی، نوعیت نظام و پیدا کردن جایی برای رهبران گروه‌های سیاسی است، باز هم اشتباه است. نظامی که در آن شخص و یا اشخاصی به صورت میراثی، رهبری کشور را بر عهده بگیرند در جهان امروز جایی ندارد. تنها برخی از کشورهایی که هیچ خوش‌نامی‌ای در عرصه بین‌المللی ندارند و میراث‌داران نظام‌های دیکتاتوری لقب گرفته‌اند، نظام‌هایی از این دست را پذیرفته‌اند. اگر هدف طالبان این باشد که قانون اساسی افغانستان نتوانسته، آرامش و امنیت به ارمغان بیاورد و یا نتوانسته فساد را از جامعه دور بسازد، تردیدی نیست که ضعف حکومت‌داری در دوران جنگ و ناپسامانی، تقصیر قانون اساسی نیست. واقعیت این است که قانون اساسی افغانستان مظلوم‌ترین سند مکتوب در سال‌های اخیر در افغانستان بوده است. خیلی‌ها آن را دور زدند و به آن اهمیتی ندادند. این خواست مردم افغانستان نیست و نبوده است.

انتظار می‌رود که هیأت مذاکره کننده حکومت در صورت طرح این موضوع توسط طالبان از آن‌ها در مورد غیر اسلامی بودن این قانون وضاحت بخواهند. این هیأت باید از قانون اساسی افغانستان حمایت و حراست کند. این قانون نباید مورد بحث جدی قرار بگیرد و قابل معامله نیست.

آیا تنش عربستان و قطر بر مذاکرات صلح افغانستان اثر می‌گذارد؟



هم‌زمان با آغاز رسمی گفت‌وگوهای مستقیم میان هیأت جمهوری اسلامی افغانستان و هیأت طالبان در شهر دوحه قطر، حضور کم‌رنگ کشورهای ایران و روسیه توجه‌ها را به خود جلب کرد.



محمدحسین نیکخواه

در مراسم آغاز رسمی گفت‌وگوها، وزیران خارجه ایران و روسیه حضور نداشتند و از طریق «تماس ویدیویی» هم صحبت نکردند.

افزون بر ایران و روسیه، نقش کم‌رنگ یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای در این نشست حس شد؛ عربستان سعودی، کشوری قدرتمند و ثروتمند در غرب آسیا که از دید بسیاری به دلیل روابط اقتصادی گسترده‌اش با پاکستان، نفوذ زیادی در این کشور دارد.

باورها بر این است که پاکستان می‌تواند در گفت‌وگوهای صلح افغانستان نقش مهمی ایفا کند و حضور رهبران ارشد طالبان در خاک این کشور و آن‌چه مقام‌های حکومت افغانستان وجود پایگاه‌های جنگ‌جویان طالبان در آن‌سوی مرز با پاکستان عنوان می‌کنند، این کشور را به بازی‌گری کلیدی در روند گفت‌وگوهای صلح افغانستان بدل کرده است.

نگرانی اصلی درباره‌ی حضور کم‌رنگ کشورهای مانند ایران، روسیه و عربستان در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، این است که اگر این کشورها در فرآیند صلح نقش نداشته باشند، ممکن است در اجرای توافق احتمالی کارشکنی و سنگ‌اندازی کنند.

شاید یکی از عواملی که سبب حضور کم‌رنگ عربستان در مراسم آغاز رسمی گفت‌وگوهای مستقیم میان هیأت جمهوری اسلامی افغانستان و هیأت طالبان شد، کشور میزبان برگزاری این نشست تاریخی باشد.

قطر، کشوری که با عربستان و برخی کشورهای عرب هم‌پیمان آن رابطه‌ی خوبی ندارد و تنش سیاسی میان قطر و عربستان، همین چند سال پیش به رویارویی تمام‌عیار سیاسی - دیپلماتیک تبدیل شد.

در سال ۲۰۱۷ کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، مصر و بحرین، با فشار عربستان سعودی روابط دیپلماتیک‌شان با قطر را لغو کردند. از جانب دیگر ایران و ترکیه از جنجال میان کشورهای عرب با قطر استفاده و روابط اقتصادی - تجارتي خودشان را با آن افزایش دادند.

پس از قطع روابط دیپلماتیک عربستان، مصر، امارات و بحرین با قطر، تنش‌ها میان این کشورها اوج گرفت. نبرد دیپلماتیک میان عربستان و قطر از خلیج فارس و کشورهای عرب فراتر رفت و برخی کشورهای آفریقایی نیز به پشتی‌بانی از عربستان سعودی روابط دیپلماتیک‌شان را با قطر قطع کردند.

قضیه به همین جا ختم نشد و کشورهای هم‌پیمان عربستان سعودی برای افزایش فشار بر قطر،

تمام مرزها و مسیرهای ارتباطی زمینی، دریایی و هوایی‌شان با این کشور را بستند. برخی از این کشورها به شمول عربستان سعودی «آسمان و حریم هوایی»‌شان را هم به روی رفت‌وآمد هواپیماهای قطری مسدود کردند.

به نظر می‌رسد منشای اصلی جنجال میان کشورهای عرب هم‌پیمان عربستان با قطر، بر سر رقیب دیرینه و منطقه‌ای عربستان، یعنی ایران بوده است. به ادعای مقام‌های ارشد کشورهای عرب هم‌سو با عربستان، شیخ تمیم بن خَمد، امیر قطر، در سخنانی، نقش مهم ایران در ثبات منطقه را تمجید کرده، اما این ادعا از سوی مقام‌های قطری رد شده است.

به باور آگاهان امور سیاسی، عربستان و کشورهای عرب هم‌پیمان آن، تلاش کردند با قطع روابط دیپلماتیک و تحریم‌های شدید اقتصادی، قطر را در صحنه‌ی سیاست منطقه‌ای منزوی کنند، اما برگزاری «اجلاس دوحه» بخشی از تلاش آنان برای انزوای این کشور را زیر پرسش بُرد.

دکتر جمشید نیک‌جو، استاد دانشگاه و آگاه امور سیاسی بر این باور است، هر چند کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات و برخی دیگر از کشورهای عرب خلیج فارس با قطر مشکل دارند، اما «اجلاس دوحه» با ابتکار ایالات متحده برگزار شد و آنان متحدان مهم امریکا هستند.

از دید آقای نیک‌جو، در اجلاس گفت‌وگوهای صلح افغانستان، سه گروه از کشورها شامل روسیه و کشورهای هم‌سو با آن، امریکا و کشورهای هم‌سو با آن و کشورهای عرب خلیج فارس که هم‌پیمان امریکا هستند، حضور داشتند.

او می‌افزاید، افزون بر حضور کم‌رنگ عربستان و کشورهای عرب هم‌پیمانش، نگرانی اصلی در مسأله صلح افغانستان، سهم‌گیری اندک روسیه و کشورهای هم‌سو با آن، مثل ایران می‌باشد، که احساس می‌کنند ابتکار عمل «اجلاس دوحه» نزد امریکا است و موفقیت مذاکرات هم به سود این کشور تمام می‌شود.

این آگاه امور سیاسی پافشاری دارد، عربستان سعودی با وجود تیره‌گی روابط با پاکستان، هنوز در این کشور نفوذ دارد و می‌تواند معادلات گفت‌وگوهای صلح افغانستان را با اعمال فشار بر پاکستان برهم بزند، اما به نظر می‌رسد پاکستان هم به سمت ترکیه گرایش پیدا کرده و ترکیه روابط

نزدیک با قطر دارد.

در حالی که برخی کشورهای عرب خلیج فارس تلاش دارند قطر را به انزوا بکشند و نقش آن را در معادلات منطقه‌ای کم‌رنگ کنند، اما طی سال‌های اخیر سیاست‌گذاران ارشد قطری خواسته‌اند کشورشان در میدان‌های منطقه‌ای به بازی‌گری مهم بدل شوند.

قطر در میدان‌های نبرد و تحولات سیاسی کشورهای سوریه، لیبیا، لبنان، یمن و برخی کشورهای دیگر حضور غیرمستقیم داشته و با پشتی‌بانی پنهان و آشکار از طرف‌های درگیر نبرد، سعی کرده در معادلات منطقه‌ای نقش‌آفرینی کند.

این کشور در افغانستان نیز طی سال‌های اخیر به دنبال افزایش نفوذ خود بوده است. مؤسسه‌ی خیریه «الغرافه» که بنیان‌گذار آن یکی از اعضای خانواده شاهی قطر است، در سال‌های پسین برخی پروژه‌های توسعه‌ای را در افغانستان اجرا کرده و در ولایت‌های کابل، هرات، فراه و برخی نقاط دیگر کشور فعالیت داشته است.

گشایش دفتر سیاسی برای طالبان در شهر دوحه و تلاش برای برگزاری «اجلاس صلح امریکا - طالبان» در این کشور، امضای تفاهم‌نامه صلح و در نهایت برگزاری اجلاس صلح بین‌الافغانی، تلاش قطری‌ها برای افزایش نفوذ و نقش‌آفرینی بیش‌تر در تحولات سیاسی افغانستان پنداشته می‌شود.

از دید آگاهان امور سیاسی، در مقایسه با ۲۰ سال پیش که «کنفرانس بُن» در آلمان برگزار شد، بازی‌گران منطقه‌ای، بازی‌گران جهانی و بازی‌گران داخلی افغانستان دچار دگرگونی‌های مهمی شده‌اند و همین امر می‌تواند بر معادلات «چند مجهوله» صلح اثرگذار باشد.

هر چند عربستان سعودی و کشورهای هم‌پیمان آن با قطر مشکلات پیچیده و مهم دارند، اما به نظر می‌رسد به دلیل این که ابتکار آغاز و پیش‌برد گفت‌وگوهای صلح افغانستان در اختیار امریکا است، این کشورها که متحدان مهم ایالات متحده در منطقه هستند، مشکل زیادی در روند مذاکرات ایجاد نکنند.

با این همه، نگرانی اصلی که هم‌چنان به قوت خود باقی است، نقش‌آفرینی منفی کشورهایی مانند روسیه، چین، ایران و کشورهای هم‌سو با آنان، در روند گفت‌وگوهای صلح جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان است.

سرور دانش از وجود «تبعیض» و «بی‌عدالتی» در ادارات دولتی انتقاد کرد

سمتی، زبانی، سیاسی و جنسیتی، بزرگ‌ترین خطر برای وحدت ملی کشور است. معاون دوم ریاست جمهوری خاطرنشان کرده است: «ما بعد از این مجبوریم که در مقابل این نوع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها بدون هیچ ملاحظه‌ای صدای خود را بلند کنیم».

دانش افزوده است که نقض قانون و بی‌عدالتی توسط یک اداره یا وزارت صورت می‌گیرد، اما تمام سوال‌ها متوجه رهبری حکومت می‌شود که این سوءتفاهم باید از این پس برداشته شود. سرورش دانش تأکید کرده است که با توجه به این مشکلات، در کابینه جدید حکومت باید از تبدیلی‌ها و استخدام‌های غیرقانونی، تعدیلات شتاب‌زده قوانین، تغییر نام‌وجه پالیسی‌ها و تبعیض و بی‌عدالتی‌ها جدا جلوگیری شود. در مراسم معرفی نامزدوزیران تازه محمدشرف غنی، رئیس جمهور و امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری نیز حضور داشته و سخنرانی کرده‌اند.

ندارند، گاهی اما ریشه برخی از بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها را باید در ادارات دولتی جست‌وجو کرد.

سرور دانش گفته است: «در برخی از ادارات ما به طور علنی در استخدام‌ها شایسته‌گی در نظر گرفته نمی‌شود و در ارایه خدمات و پروژه‌ها نیز عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن نادیده انگاشته می‌شود».

دانش گفته است که تبعیض‌های ناروای قومی،

۸صبح، کابل: سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری، از موجودیت تبعیض و بی‌عدالتی در ادارات دولتی به شدت انتقاد کرده است.

طبق اعلام دفتر مطبوعاتی معاون دوم، سرور دانش در مراسم معرفی نامزدوزیران جدید گفته است که تبعیض و نابرابری «بزرگ‌ترین خطر برای وحدت ملی» است.

معاون دوم ریاست جمهوری تأکید کرده که مردم افغانستان در روابط بین خود مشکل



ادامه مذاکرات دوحه؛ هیأت دولت و طالبان منتظر نهایی شدن اصول و اجندای مذاکرات‌اند



حسب ريش

هر چند گفت‌وگوها میان گروه‌های تماس دولت و گروه طالبان در دوحه ادامه یافته است، اما تا پایان روز گذشته به نتیجه‌ای نرسیدند که به آغاز گفت‌وگوهای مستقیم هیأت دو طرف منجر شود. منابع در هیأت مذاکره‌کننده دولت می‌گویند که دو طرف تنها روی «اصول رفتاری» و «تقسیم اوقات» بحث کرده‌اند. اعضای هیأت مذاکره‌کننده گروه طالبان نیز می‌گویند که «روی ماهیت پیش‌برد نشست‌های بعدی»، «برخوردهای دو طرف»، «اصول رفتار» و «زمان‌بندی نشست‌های بعدی مذاکرات» بحث شده است و دو طرف از آن راضی بوده‌اند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که تعیین اجندای مذاکرات، آخرین گزینۀ برای گفت‌وگو میان گروه‌های تماس دو طرف است.

یک عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت اما تصریح کرد که دو طرف در پایان روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله با هم گفت‌وگو کرده و ماده‌هایی که دو طرف باید در جریان مذاکره رعایت کنند را تصویب و نهایی می‌کنند. منابع می‌گویند که زمان آغاز مذاکرات مستقیم میان دو طرف به توافق روی اجندا، اصول مذاکره و زمان‌بندی بسته‌گی دارد و در صورت نهایی شدن این موارد، گفت‌وگوهای مستقیم آغاز می‌شود. با آن‌که دیدارها میان دو طرف در فضای آرام ادامه یافته است، اما لحن برخوردهای برخی از افراد هم‌سو با گروه طالبان در حاشیه‌های مذاکرات دوحه و برخی از مقامات افغان در کابل، همچنان تند به نظر می‌آید.

گفت‌وگوها میان گروه‌های تماس هیأت دولت و گروه طالبان در دوحه برای دومین روز و در فضای مسالمت‌آمیز ادامه یافته است. ناجیه انوری، سخنگوی وزارت دولت در امور صلح روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله گفت که دیدار میان دو طرف در فضای مسالمت‌آمیز ادامه یافته

ادامه مذاکرات دوحه؛

است و اعضای گروه‌های تماس تلاش‌ها برای توافق روی اجندا، اصول مذاکرات و زمان‌بندی نشست‌ها را ادامه داده‌اند. محمد ناطقی، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز به روزنامه ۸صبح گفت اعضای گروه‌های تماس دو طرف اواخر روز دوشنبه، بیست‌وچهار سنبله دیداری را تنظیم کرده‌اند و در آن، ماده‌هایی که دو طرف باید حین مذاکرات رعایت کنند را تصویب و نهایی می‌کنند.

اعضای هیأت مذاکره‌کننده گروه طالبان به سهم خود فضای گفت‌وگوها را مناسب می‌دانند و تصریح می‌کنند که اعضای گروه‌های تماس این گروه از نشست با گروه تماس دولت خرسند بودند. حمدالله واثق، عضو هیأت مذاکره‌کننده طالبان به روزنامه ۸صبح گفت که دو طرف روی چگونه‌گی پیش‌برد نشست‌های بعدی، برخوردهای دو طرف، اصول رفتار و زمان‌بندی نشست‌های بعدی مذاکرات بحث شده است. گفتنی است که هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان هر دو در جریان روز گذشته میان هم دیدار داشته‌اند و روی برخی از مسایل گفت‌وگو کرده‌اند. با این حال، جزییات از نشست درونی هیأت دولت و طالبان رسانه‌ای نشد. قرار است به محض توافق میان دو طرف روی اجندا، اصول و زمان‌بندی مذاکرات، گفت‌وگوهای مستقیم هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان آغاز شود. دو طرف اما تا پایان روز گذشته، صحبت روی اجندای مذاکرات را آغاز نکرده بودند. بدین ترتیب، اعضای هیأت دو طرف منتظر اند که گروه‌های تماس به نتیجه‌ای دست یابند تا مذاکرات آغاز شود.

لحن‌ها در جریان مذاکرات؛ نرم در دوحه و تُند در کابل

این گفت‌وگوها در حالی ادامه می‌یابد که برخی از مقامات افغان، همچنان بر دوام جمهوریّت و ارزش‌های بشری تأکید کرده‌اند. امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری روز دوشنبه، بیست‌وچهارم سنبله در یک پُست فیس‌بوکی به مقایسه برخوردهای دولت و طالبان پرداخت

و تصریح کرد که طالبان در کوره جامعه ذوب می‌شوند. آقای صالح در ادامه با لحنی تُند گفته است که دولت افغانستان میلیون‌ها انسان باسواد به جامعه تقدیم کرده است که هیچ یک از آنان با «تروریست» و «طالب» هم‌سویی ندارد، «به استثنای چند تا درس خوانده در پاکستان یا در تبانی با پاکستان». وی هم‌چنان گروه طالبان را در جریان مذاکرات صلح، «زشت» و «خشن» خواند و تصریح کرده است که «شهرها از طالب تنفر دارند» و «روستاها نیز برای آزادی از چنگال این نیروی زشت و خشن لحظه‌شماری دارند». وی اقتصاد از دید طالبان را «باج‌گیری زیر نام عشر و صادرات منظم تریاک» خواند و افزود که در صورت تمکین نکردن فردی به آن، «سزایش قمچین یا مرمی» است.

او افزون بر این گفت که از دید طالب، جامعه مدنی «گوش‌دادن به حرف‌های تکراری ملای بی‌تصدیق و فارغ اکوره ختک در باره آخرت» است و افزوده است که «طالب برای دنیا پیام ندارد» و پیامش در ارتباط به دنیای آخرت، «پُر از تناقض و هذیان» است. آقای صالح در ادامه گفته است که مردم در افغانستان به علم و عرفان «دست‌رسی بی‌قید» دارند، اما به گفته وی، «طالب این حق را به مردم نمی‌دهد یا نداده است». به گفته امرالله صالح، دولت «یک نظام چند بُعدی و کثرت‌گرا است که مجبور است مطابق به قانون هر روز به مردم پاسخ دهد»، اما طالبان «چند نفر بی‌سوانح‌اند که حتا اجازه پوشیدن لباس با تنوع را ندارند». وی تصریح کرده است، دولت باور دارد که رنگ‌ها را پروردگار هست کرده است، اما به باور آقای صالح، طالبان «دیدگاه سیاه‌وسفید» دارند. معاون نخست ریاست جمهوری هم‌چنان تصریح کرده است که دولت تاریخ خود را در هزاران سال می‌بیند، اما به گفته او، «برای طالب، تاریخ با ظهور رمزآلود و استخباراتی ملاعمر آغاز شده است و پیش از آن، دنیا همه تاریک و نیست بود». آقای صالح گفته است که جمهوریّت نظام عدلی و قضایی دارد، اما «طالب به محکمه صحرایی اعتقاد دارد» و به

خواست بسته‌گان قربانیان جنگ؛

اول آتش‌بس، بعد صلح قربانی‌محور

او می‌گوید که دیگر مردم از جنگ خسته شده‌اند و باید صلح برقرار شود تا نسل جوان افغانستان بتوانند آرزوهای عطاءالله و سایر کسانی‌که در آرزوی صلح قربانی شده‌اند، برآورده کنند. محب می‌گوید، جنگی که امروز جریان دارد، هزاران تن را با آرزو و امیدهای‌شان به زیر خاک کرده است.

آمنه بیانی، مادر فاطمه(از کشته‌گان کورس موعود) است. او که در کنار مزار دخترش نشسته است، با آه و ناله با دخترش که در گور است، درد دل می‌کند. او با دل آکنده از درد و رنج می‌گوید که دخترش در کورس موعود آماده‌گی می‌خواند و در حمله انتحاری جانش را از دست داد. این مادر برای این‌که مادران دیگر، غم از دست دادن فرزندان‌شان نبینند، از طرف‌های درگیر می‌خواهد که دست از جنگ بکشند و صلح کنند تا مردم شاهد آرامش باشد. او می‌گوید که دیگر کسی توان از دست دادن عزیزانش را ندارد و حکومت باید تلاش کند تا در کشور صلح پایدار حاکم شود. او می‌گوید که هرچند قاتلان دخترش قابل بخشش نیستند، اما برای این‌که مردم در صلح و آرامش زنده‌گی کنند، حاضر است قاتلان دخترش را ببخشد. او گفت: «قاتل‌های این‌ها قابل بخشیدن نیست که ببخشیم. با آن هم ما می‌خواهیم که صلح و آرامی بیاید تا دیگر در آرامش زنده‌گی کنیم.»

حمیدالله رفیع، برادر یکی از قربانیان حادثه موعود است. او نیز می‌گوید که خواهرش با هزار امید و آرزو برای آموزش و آینده‌اش، زیرخاک دفن شده است. او نیز خواستار صلح دوام‌دار و پایان خشونت‌ها است. رفیع می‌گوید برای این‌که کشور به صلح پایدار دست یابد، حکومت باید قربانیان جنگ را در گفت‌وگوها دخیل بسازد. آقای رفیع افزود که امروز خانواده‌های قربانیان زیر نام «صلح قربانی‌محور» گردهم آمده‌اند تا تمامی خواست‌های قربانیان یک جنگ را به دولت‌مردان برسانند. او گفت که خواست مهم قربانیان از دولت و گروه طالبان این است که در پروسه صلح، به حیث نماینده مستقیم‌شان دخیل باشند تا به صورت مستقیم خواست‌های‌شان را در مذاکرات دخیل بسازند. رفیع

همین دلیل است که هزاران طالب زندانی‌اند، اما «آن‌ها هر که را گرفتند، سر بریدند» و به گفته وی، این روش در «دوران حاکمیت سیاه‌شان» نیز همین‌گونه بوده است. آقای صالح سرانجام گفته است که «طالب یک گروه کوچک، زشت و خشن است» و «جمهوریت یک اکثریت ارزش‌محور و انسانی» و تصریح کرده است که این گروه در کوره جامعه ذوب می‌شود، زیرا به باور وی، «تاریخ گواه پیروزی زشتی بر زیبایی نیست و نخواهد بود». گفتنی است که لحن معاون نخست ریاست جمهوری درباره طالبان پیش از این نیز تُند بوده و تغییری در آن ایجاد نشده است.

پیش‌تر، حمدالله محب، مشاور امنیت ملی روز شنبه، بیست‌ودوم سنبله حین گشایش مذاکرات گفته بود که طالبان «به عنوان یک گروه» می‌توانند «از مزایای دموکراسی زیر چتر جمهوریّت» بهره‌مند شوند. گفتنی است که ملا برادر، معاون سیاسی گروه طالبان نیز در روز گشایش مذاکرات، دولت افغانستان را «داره کابل» خوانده بود، اما در ادامه صحبت‌هایش بر «حوصله»، «تحمل» و «تعامل خوب» در جریان مذاکرات تأکید کرده بود. برخورد یک خبرنگار هم‌سو با طالبان در جریان برنامه گشایش مذاکرات با برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز واکنش‌هایی را در پی داشت. با این حال، گروه‌های تماس دو طرف در جریان گفت‌وگوها، هم‌زمان با سایر موارد، روی «برخوردها» و «اصول رفتار» در جریان مذاکرات، صحبت کرده بودند و به گفته منابع در دوحه، دو طرف روی این‌که از لحن نرم در جریان مذاکرات استفاده شود، استقبال کرده‌اند. گفتنی است که فضای گفت‌وگو میان نماینده‌گان دو طرف در دوحه تاکنون «خوب» وصف شده است.

هر چند زمان دقیق برای پایان این دور از مذاکرات مشخص نشده است، اما دو طرف بدین نتیجه رسیده‌اند که مذاکرات بین‌الافغانی زمان‌بر است. مذاکرات میان دو طرف روز شنبه، بیست‌ودوم سنبله در «هوتل شرایتون» قطر گشایش یافت. در برنامه گشایش این مذاکرات، نماینده‌گان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هم‌زمان با تقاضای دوام مذاکرات، خواستار برقراری آتش‌بس در کشور شدند. پیش‌تر، منابع گفته بودند که زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان به جانب افغان وعده کرده بود که در صورت آغاز مذاکرات، آتش‌بس برقرار می‌شود، موردی که هنوز تحقق نیافته است و حتا در اولویت گروه طالبان قرار ندارد.

گفت که در حال حاضر در گفت‌وگوهای صلح نماینده مستقیم قربانیان جنگ وجود ندارد و خانواده‌های قربانی می‌ترسند که حقوق قربانیان در این گفت‌وگوها زیر پا شود. او گفت: «وقتی خواست قربانیان در نظر گرفته نشود، ممکن است که در آینده به صلح نرسیم». با این همه خانواده‌های قربانیان جنگ با صدور قطع‌نامه‌ای هشت ماده‌ای، از طرف‌های درگیر جنگ خواسته‌اند، آتش‌بس کنند. در این قطع‌نامه گفته شده است که طرف‌های گفت‌وگو کننده باید منافع علیای کشور را مبنای مذاکرات‌شان قرار دهند و تلاش کنند تا از این فرصت تاریخی، برای دست‌یابی به صلح عادلانه، قربانی‌محور و پایدار که حقوق بشری و شهروندی در آن تضمین شده باشد، استفاده کنند.

در این قطع‌نامه تصریح شده که در این مذاکرات باید زمینه دست‌رسی قربانیان به عدالت، حقیقت و جبران خسارات مادی و معنایی برای آن‌ها فراهم و تضمین شود که دیگر چنین فاجعه‌هایی رخ نمی‌دهد. هم‌چنان در این قطع‌نامه گفته شده است که در مذاکرات صلح، نماینده‌گانی از خانواده‌های قربانیان جنگ حضور داشته باشند تا از حقوق قربانیان حفاظت و دفاع کنند.

این خانواده‌های قربانیان، از گروه‌های مذاکره‌کننده خواسته‌اند که مکانیسمی تعریف شده برای «دست‌رسی و ارتباط با قربانیان» را ایجاد کنند تا قربانیان و بازمانده‌گان آن‌ها بتوانند بدون موانع، به کمیته اختصاصی مشترک امور قربانیان به سایر ساختارها و برنامه‌های ذی‌ربط دست‌رسی داشته باشند. علاوه بر این، خانواده‌های قربانیان تصریح کرده‌اند که به زودی جرگه‌ی ملی قربانیان را در چارچوب شبکه‌ی ملی صلح قربانی‌محور برگزار می‌کنند و در کنار بیان مطالبات اساسی‌شان، گروه کاری صلح قربانی‌محور را ایجاد می‌کنند تا به صورت متمرکز و نظام‌مند، با گروه‌های مذاکره‌کننده هر دو طرف، گفت‌وگو کنند.

قرار است که گفت‌وگوهای صلح به طور رسمی امروز در قطر آغاز شود. این نخستین بار است که هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان و گروه طالبان، برای پایان جنگ و رسیدن به صلح گفت‌وگو می‌کنند.



عبدالاحمد حسینی

در آموزشگاه موعود رخ داده بود، ۴۸ دانش‌آموز کشته شدند و ۶۷ دانش‌آموز دیگر زخم برداشتند.

هنوز هم ترس برخاسته از آن انفجار، دست از سر دانش‌آموزان این آموزشگاه برنمی‌دارد. این ترس امروز کار را به جایی کشانده که خانواده‌های قربانیان، برای پایان آن، حتا حاضر اند خون قربانیان آن «رویداد بنیادبرانداز» را ببخشند. اکنون و در جریان مذاکرات، خانواده‌های قربانیان گرد آمده‌اند تا بگویند که جنگ امان‌شان را بریده است و صلح می‌خواهند. صلحی که قیمت آن از دست دادن عزیزان‌شان است. این خانواده‌ها از طرف‌هایی که با هم درگیر اند، توقع دارند که به ناتوانی مردم در پرداخت قیمت‌های جبران‌ناپذیر جنگ توجه کنند و به «این تقابل منحوس» نقطه پایان بگذارند. همه‌ی این خواست‌ها در حالی مطرح می‌شود که تفتنگ‌ها هنوز گلوله شلیک می‌کنند و قلب‌هایی هر روز، آن‌قدر خون از دست می‌دهند که از تیش می‌مانند. جنگ هم‌چنان با حمله‌ها و انفجارهایی که طالبان راه می‌اندازند و با وجود تأکید هیأت جمهوری اسلامی افغانستان به برقراری آتش‌بس بشردوستانه، جاری است.

محب‌الله مرادی یک تن از بازمانده‌گان حمله‌ی انتحاری در کورس موعود است. او می‌گوید که طبق معمول برای گذراندن بهتر آزمون کانکور، در کورس آموزشی «موعود» آماده‌گی را شروع کرده بود. پیش از وقت، وی در یکی از کورس‌های زبان انگلیسی استاد بوده و زبان انگلیسی را تدریس می‌کرد و پس از آن برای این‌که بتواند آزمون کانکور را با موفقیت سپری کند، در این کورس آموزشی، آماده‌گی می‌خواند. او که حمله انتحاری کورس موعود در ذهنش حک شده است، وقتی لحظه‌های انفجار به یادش می‌آید، با چشمان پر اشک و گلو‌ی بغض کرده‌اش می‌گوید که دوستان و هم‌صنفی‌های زیادی‌ش را در این حمله‌ی انتحاری از دست داده است.

عطاءالله از شمار دوستان و هم‌صنفی‌های محب‌الله بود. محب، امروز برای این‌که به عطاءالله بگوید که حکومت



هیچ دختری حاضر به ترک مکتب و کار نخواهد بود. دیگر دختری حاضر به تسلیمی سرنوشتش به دست دیگران نخواهد بود. من نگران زنده‌گی رویایی هشتم که برای دخترانم ساختم، این گفت‌وگوهای شک‌برانگیز طالبان، نشان طوفانی است که زنده‌گی‌هایی را ویران می‌کند؛ زنده‌گی‌هایی که هر خشتش با یک هدف گذاشته شده است، تهدایی که با قلب پر از درد و امیدی به آینده گذاشته شده است. از استحکام این زنده‌گی‌های افغانستان با چنین وضع آشفته در هراسم. نسل ۲۰ سال اخیر که با نصاب تدوین شده دموکراسی تربیت شده‌اند، آن‌را با امارت تعویض نمی‌توانند. ببینید، تحلیل کنید و بعد تصمیم بگیرید که آیا دختران شما لیاقت آزاد زیستن، انسانی زیستن و زن زیستن را ندارند؟ چرا تاریخ افغانستان را پر از سیاهی‌های انسانی به دست آینده‌ها تحویل می‌دهید؟

داستان افغانستان همین است، کشوری که آفتابش برای بیگانه‌گان چشمک می‌زند و مهتابش چراغ راه دزدان است. بگذارید آسمانی پردرد که چندین سال است به جز درد چیزی بر این خاک نبارانیده را برای پرکشیدن چند کبوتر سفید با خود تزیین کند.

قفسه‌های طلایی که برای من در نظر گرفتید را به آسمان ناصاف ترجیح می‌دهم. بگذارید چند روزی زنده‌گی را زنده‌گی کنم، بگذارید آشیانه‌ام را خودم بسازم. بگذارید غذایم را خودم تهیه کنم. بگذارید جفتم را خودم انتخاب کنم. بگذارید با پرکشیدن در قطار کبوتران هم‌نسل و هم‌سرشت، به زنده‌گی‌ام رنگ ببخشم.

قفس ناشکن ملا محمد عمر؛ کبوتران دوباره به قفس برمی‌گردند؟

می‌دانستم که ابری و آفتابی و بارنده‌گی جزو اقلیم آسمان افغانستان است و این سیاهی از آسمان کشور دور شدنی است.

با به دنیا آمدن اولین فرزندم همه‌ی آرزوهایم را با او گره زدم. هر روز برای بزرگ شدن و به مکتب فرستادنش لحظه‌شماری می‌کردم. آن روزها که دختر و پسر بزرگم داشتند به سن آموزش می‌رسیدند، هم‌زمان با ایجاد اداره موقت بود. آن روزها رادیوی کوچکی که به اندازه کف دستم بود، راهنمای خوبی برای تربیت فرزندانم بود. کماکان از آن‌جا می‌آموختم که حق فرزند بر والدین چیست و من‌حیث مادر باید هدفم از بزرگ کردن آن‌ها چه باشد. بالاخره بعد از گذشت ۱۴ سال امروز دخترم در یکی از بهترین دانشگاه‌های افغانستان مشغول تحصیل است و این بزرگ‌ترین آرزوی من و پدر فداکارش بود که برای دفاع از خاک و ناموس خود به گروه مجاهدین پیوسته و راه تحصیل را با جنگ عوض کرده بود.

آیا به قول عام تقدیر دختر مانند مادر خواهد بود؟ دختری ایده‌آل است که در رویاهایم داشتم، باتحرک و انگیزه پیش‌رفت و قلب مالا مال از محبت برای وطن و هم‌وطن که برای عدالت می‌رزمد. او دختری است کاملاً شرقی، با قلب معبودپرست و آراسته با نزاکت‌های انسانی، اما باز هم نشانه‌هایی از ترس وجودم را فرا می‌گیرد. با دیدن هر موفقیت دخترم، در خود می‌لرزم؛ مبادا روزگار تیره‌ی من دوباره تکرار شود و کبوتر صادق و مهربان من به قفس تنگ طالبان برگردد! مبادا آرزوهای دخترم مانند آرزوهای من غرق در سیاه‌چال‌های چهل طالبان شود! مبادا سیاست‌گزاران و نخبه‌گان روزگار هر دختری به شمول دختر من را به قمار سیاسی ببازند!

امروزه هم هراس از حاکمیت طالبان وجود دارد. دوباره به زنجیر اسارت کشیدن زنان از کنج و کنار نجوا می‌دهد. بازهم دختری باید پرده‌نشین شود و دوباره با آرزوهایش خداحافظی کند؟ اما این بار وضع رقت‌بارتر خواهد شد! برای این‌که دختران تربیت شده ۲۰ سال قابلیت انعطاف در مقابل اوضاع را ندارند. به چنان انگیزه استقلال‌طلبی مالی و اجتماعی آب خوردند که دیگر محال است از اراده‌ی چون کوه‌شان عبور کنند. دیگر

لرزه وجود کوچکم را فرا گرفته بود و زبانم از ترس نمی‌چرخید. سرم را به نشان تابید، حرکت دادم. وقتی داخل صحن مکتب شدم، مردی با لباس جدید و زبان جدید دیدم که از لحاظ زبانی و مفهومی هیچ معنایی را برابیم افاده نمی‌کرد و قانون جدید هم با سروکله من جور در نمی‌آمد و فضای غریبه در من ایجاد کرده بود. در آخر صف ایستاده بودم. از میان این‌همه حرف‌ها فقط فهمیدم که دختران تا نصف چهار می‌توانند به مدرسه بیایند تا از احکام دین باخبر شوند. روز بعد با ورود به دروازه مکتب که دیگر معنای مکتب بودنش را عوض کرده بود، این بار خبر دیگر طنپین‌انداز شده بود. رخشانه ۱۰ ساله که از جمله دوستان نه چندان صمیمی من بود، با یکی از افراد این گروه به نکاح جبری گرفته شده بود. این عمل نه تنها رخشانه را به گودال تاریکی انداخت، بلکه باعث ترس همه‌ی دختران آن محل شد و دیگر دختری جرأت بیرون شدن از خانه را نداشت. اگر جگر به دندان می‌گرفت تا پا از دروازه بیرون نهد، خانواده مانع می‌شدند و این پایان دوران تحصیل یک‌ساله‌ام بود. عمر تحصیلی من خیلی کوتاه بود. دیگر جای قلم را با سوزن عوض کردم و جای خنده‌های دخترانه‌ام را با هم‌صحبتی و شکایت‌های زنانه و روزگار سختی که به عنوان مادر دختری و یا خانم سربازی می‌گذرانند. یک سال بعد از ترک اجباری مکتب که ۱۱سالم بود، از بخت نیکم با یکی از پسران خاله‌ام نامزد شدم. باز هم یادآور می‌شوم از اقبال والایم که در تله دیگر نیفتادم.

زنده‌گی دوباره در سن ۱۲ ساله‌گی، عروس شدم. باید خودم زنده‌گی می‌ساختم. گراف‌دوزی که یکی از هنرهای کهن مردم تاجیک است را از خود کردم. بهتر است بگویم من باید تار و پود زنده‌گی را خودم جدا می‌کردم و با این سوزن طفولیتیم را با بلوغ جبرا پیینه می‌زدم، اگرچه فاصله‌اش زیاد باشد. همه چیز تغییر کرد. باید بعد از این وارد معاملات اجتماعی می‌شدم.

دیگر آرزوهایم در آسمان ظلم و پرغبار چهل ناپدید شده بود. بعد از آن فقط به چگونه‌گی درآمد خانواده و تربیت فرزندانم مشغول شده بودم، اما بازهم نوری از دور در نظرم جلوه‌گر بود.

روایت فعالان زن از دشمنان ناشناخته؛

طالبانی با هویت دیگر یا دیگرانی با هویت طالب؟

نه تنها طالبان، که دیگران از جمله برخی علما نیز تلاش زیادی برای توقف کار این انجمن کرده‌اند: «در ایجاد این انجمن ورزشی، با مشکلات زیادی برخوردیم. نه تنها طالبان، بلکه برخی مردم هم مخالف بودند؛ حتا یک مولوی در خطبه‌ی نماز جمعه گفته بود که این مرکز باید بسته شود، اما خوش‌بختانه موفق به توقف فعالیت آن نشدند.»

در کنار تمام این مسایل، آن‌چه خانم درانی به عنوان نکته‌ای مثبت و امیدوارکننده در بخش زنان از آن یاد می‌کند، افزایش تعداد مکاتب دخترانه و بهبود وضعیت تحصیلی دختران در قندهار است. هرچند به باور او، این پیش‌رفت‌ها هنوز هم کافی نیست و نمی‌تواند تضمین خوبی برای موفقیت بیش‌تر زنان در قندهار باشد.

او جایگاه زنان فعال در جامعه‌ی پس از مذاکرات صلح را این‌گونه پیش‌بینی می‌کند: «شاید بلافاصله پس از توافقات، زنان نتوانند مانند امروز در جامعه فعال باشند، زیرا ممکن است آن زمان هم طالبان عقیدتی که با توافق صلح مخالفاند، در مناطق مختلف حضور داشته باشند، اما به مرور زمان و با تلاش دولت برای جلب اعتماد مخالفان، نگاه آنان نسبت به زنان تغییر خواهد کرد.»

به گفته‌ی بانو درانی، حفظ حق تحصیل و کار زنان، باید از اولویت‌های مذاکرات صلح باشد و زنان، حتا پس از مذاکرات صلح هم به مبارزات خود برای دسترسی به حقوق بدیهی‌شان ادامه بدهند.

هشدار ی بوده که او را وادار کرده است به مدت چهار ماه در کابل زنده‌گی کند.

خانم درانی از تجربه‌ی دیگری در رابطه با فعالیت‌های «رادیو زن» می‌گوید: «در سال ۲۰۱۴ به صورت جدی از سوی طالبان تهدید شدم. آنان در شب‌نامه‌ای خواستار توقف فعالیت رادیو شده و مرا به محکمه‌ی خود که در آن‌سوی خط مرزی در پاکستان بود، احضار کرده بودند.» وی می‌افزاید: «از آن جایی که طالبان هیچ‌گاه مستقیم با یک زن حرف نمی‌زنند، از پدرم خواسته بودند که برای پاسخ‌گویی نزد آنان برود.»

به گفته‌ی بانو درانی، آنان قضیه را با قوماندانی امنیه در میان می‌گذارند و با یافتن شخصی رابط، قضیه در نهایت به نفع خانم درانی خاتمه پیدا می‌کند.

افزون بر مخالفت علنی طالبان با فعالیت‌های رادیویی خانم درانی، وی برای پیش‌بردن این فعالیت‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو شده و در یک مورد نیز مشخصاً در این رابطه مورد سوءقصد قرار گرفته است. او در سال ۲۰۱۲ در این رابطه، جایزه‌ی بین‌المللی «زنان شجاع» را نیز دریافت کرده است.

خانم درانی می‌گوید، مشکل بزرگ دیگر در برخی مناطق قندهار، ساختار فرهنگی جامعه‌است. به گفته‌ی وی، در برخی موارد، باورهای نادرست فرهنگی برای او ترسناک‌تر از تهدیدهای امنیتی است و چنین تفکراتی بارها سد راه زنان فعال در قندهار شده است. وی که به عنوان یکی از آخرین فعالیت‌ها، یک انجمن ورزشی ویژه‌ی بانوان را در قندهار ایجاد کرده است، می‌گوید،

نیز به دلیل مشکلات امنیتی، ما اجازه‌ی رفتن به برخی مناطق را نداریم.»

بانو درانی می‌افزاید که در بخش مشکلات امنیتی، آن‌چه بیش از هر مورد دیگری زنان، به ویژه زنان شاغل را نشانه می‌گیرد، ترورهای هدف‌مند است، اما به باور او این ترورها، همیشه کار طالبان نیست: «همیشه نمی‌توان ترورها را به طالبان نسبت داد؛ چون برخی افراد، به دلیل مشکلات شخصی یا رقابت با یک فرد، دست به ترور می‌زنند، اما این کار به نام طالب ختم می‌شود.»

به گفته‌ی وی، برعکس این قضیه هم دور از تصور نیست و گروه طالبان نیز ممکن است پس از انجام ترور، به راحتی ادعا کنند که مسوولیتی در قبال آن ندارند. به همین دلیل، به باور بانو درانی، یکی از مشکلات جدی زنان فعال در قندهار این است که دشمن را نمی‌شناسند و نمی‌دانند با چه افرادی طرف‌اند.

او که در زمان کار به عنوان وکیل شورای ولایتی قندهار، از دو حمله‌ی انتحاری جان به سلامت برده است، می‌گوید یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های دوره‌ی کاری‌اش ترور یکی از همکاران و دوستان نزدیکش بوده است: «خانم ستاره اچکزی همکارم بود، روز رویداد، هردو در یک موتر به سوی خانه می‌رفتیم و من زودتر از او به مقصد رسیدم. ده – پانزده دقیقه از خداحافظی‌مان گذشته بود که به من زنگ زدند و خبر شهادت او را دادند.» بانو درانی می‌گوید، این اتفاق تاثیر بدی بر حالت روانی او گذاشته و هم‌چنان به نوعی

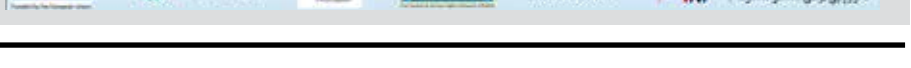


گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با مریم درانی، فعال حقوق زن در قندهار

کودکی‌اش در مهاجرت می‌گذرد و در نوجوانی و پس از سقوط طالبان با خانواده‌اش به کشور باز می‌گردند. او که دوره‌ی مکتب را در مهاجرت به پایان رسانده است، به دلیل مشکلات امنیتی مجبور می‌شود دوره‌ی دانشگاه را به صورت غیرحضوری به پایان برساند. مریم درانی، که اکنون از فعالان نام‌آشنا در بخش حقوق زنان در قندهار است، مانند هر شهروند دیگری، در هر لحظه از زنده‌گی‌اش در کشور، ترس‌ها و تجربه‌هایی از ناامنی و افکار خشونت‌پرور داشته است.

بانو درانی که مسوولیت رادیویی به نام «زن» را برعهده دارد و حامی چند نهاد مربوط به زنان است، می‌گوید از آغاز فعالیت‌های‌شان، او و همکارانش تهدیدها و محدودیت‌های زیادی را تجربه کرده‌اند: «از آن جایی که فعالیت‌های ما مرتبط با زنان است، تا کنون چندین‌بار تهدید شده‌ایم، کارمندان رادیوی ما یا تماس‌های تهدیدآمیز دریافت می‌کنند یا در کوچه و بازار به صورت علنی و مستقیم تهدید می‌شوند. گاهی

یادداشت: این مطلب توسط شبکه جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر تهیه شده است. روزنامه ۸صبح، تنها مسوولیت چاپ و نشر آن را بر عهده دارد.



یک جوړه بوت سرخ



عاده زمني

بالاخره روز موعود فرا رسيد. توانسته بود آن بوت‌ها را بخرد و به خانه ببرد. درد اما از همان‌جا آغاز شده بود. مادر جان اجازه استفاده از آن را نمی‌داد. این‌که یک دختر جوان در سرک‌ها بوت‌های کوری‌بلند سرخ به پا کند، چیز بدی بود، خصوصاً که نبود پدر آن را بدتر هم جلوه می‌داد. دخترها نباید بوت‌های زیبایی‌شان را در سرک‌ها به پا کنند.

در پشت شیشه‌های آخرین دکان انتهای کوچه شال‌فروشان دیده بودشان، یک جوړه بوت کوری‌بلند سرخ. سرخِ سرخ مثل دانه‌های انار قندهار در فصل خزان.

سرخ‌ی بوت‌ها دلش را شاد کرده بود. دانسته بود این چیزی است که می‌تواند روزها او را خوشحال نگه دارد. از صاحب دکان قیمت بوت‌ها را پرسیده بود. نه خیلی گران بود، نه خیلی ارزان. می‌توانست با پول‌هایی که جمع کرده بود، آن را بخرد. می‌توانست تعداد بیش‌تری دستمال‌گل‌دوزی کند و به خود اندکی بیش‌تر سختی بدهد تا بتواند بوت‌های سرخ را به خانه ببرد. با همین رویا به خانه برگشته و روزهای زیادی را به گل‌دوزی گذرانده بود. بی‌بی‌جان با حسرت به او نگاه می‌کرد و یاد جوانی خودش افتاده بود. در مورد بوت‌های سرخ با هیچ کس گپ نزد. می‌دانست اگر آرزویش را به کسی بگوید، هرگز به دستش نمی‌آورد. این یک قانون نانوشته بود. هر روز بی‌صدا به دکان کفش‌فروشی سر می‌زد و با لذت به بوت‌های سرخ نگاه می‌کرد. می‌خواست قلبش آرام شود که هیچ دختری به جز او صاحب آن جوړه‌ی سرخ یاقوت‌مانند نمی‌شود. آن مسیر را باید با بی‌بی‌جانش می‌رفت و می‌آمد. هیچ دختر جوانی حق نداشت هر روز تنها جایی برود و بیاید. حالا دیگر بی‌بی‌جان هم راز بوت‌های سرخ را می‌دانست.

بالاخره روز موعود فرا رسید. توانسته بود آن بوت‌ها را بخرد و به خانه ببرد. درد اما از همان‌جا آغاز شده بود. مادر جان اجازه استفاده از آن را نمی‌داد. این‌که یک دختر جوان در سرک‌ها بوت‌های کوری‌بلند سرخ به پا کند، چیز بدی بود، خصوصاً که نبود پدر آن را بدتر

◆ معصومه همتی

پس از تمام کردن کتاب شمس‌پاره از الیف شافاک، حسی آمیخته از خوشحالی، دلواپسی، ترس و اضطراب وجودم را فرا گرفت. وقتی کتابی را می‌خوانی، احساس می‌کنی به اندوخته‌هایت اضافه شده و از این بابت خرسندی، اما در حقیقت هر چه‌قدر انسان بیش‌تر بفهمد، بیش‌تر در رنج خواهد بود.

وقتی می‌بینم از نگرانی‌اش در خصوص فهم نسبی که مردمش به لحاظ موضوعات اجتماعی دارند، صحبت می‌کند و اما تو هنوز حتا اثری از این گفتمان و نظیرش را در کشورت پیدا نمی‌کنی، می‌ترسی و مضطربی.

وقتی به کشورم، به میهنم و جغرافیایی که به من هویت افغانی بخشیده فکر می‌کنم، چیزهای زیادی در ذهنم چنگ می‌زنند و هر کدام پیشی می‌جویند برای اظهار یافتن و درج شدن. پیچیده‌گی ذهنی، آسیب روحی و درهمی موضوعات چیزی است که در زنده‌گی هر افغان جا خوش کرده و نسل‌اندرنسل با ما همراه شده و بر رفتارمان سایه افکنده است.

دقیقاً نمی‌دانم ما نسل جنگیم؟ ما نسل پیش‌رفتیم؟ ما نسل مبارزه‌ایم؟ یا نسل فراموش شده؟ دلم برای نسل‌مان می‌سوزد. پدرها و مادرهای‌مان شاید بهتر زیسته باشند تا ما!

آخر ما میان ناآرامی‌ها، میان ناخوشی‌ها، میان دود و باروت، میان خوش‌باوری‌های نافرجام قد علم کردیم؛ ما مظلوم‌ترین دختران حوا و محروم‌ترین پسران آدمیم. گاهی می‌گویم چگونه ملتی باید این‌همه تقاضا پس دهد برای زنده ماندنش؟ نسلی هستیم که میان آتش جنگ قلم برداشتیم و کسانی را نیز داشتیم که نان دادن عزیزان‌شان را انتخاب کردند. اگرچه دل‌شان می‌خواست باسواد شوند، شعر مولانا بخوانند و برای فرزندان‌شان از شاهنامه فردوسی تعریف کنند، اما حقیقتی پررنگ‌تر از آرزوهای‌شان وجود داشت و آن هم گرسنه‌گی بود!

باید به جای قلم، بیل برمی‌داشتند و به جای پرکردن گوش فرزندشان از شاهنامه، شکم‌شان را از نان پر می‌کردند و روی خیال‌های‌شان قاطعانه خط می‌کشیدند، اما این تنها یکی از حکایت‌های خوش‌بینانه از روند بازماندن سواد است. تاریخ خودش می‌گوید که ما بازمانده شدیم و آن‌که بیش‌تر از همه درد را به جان خرید و گاهی حتا از جان گذشت، باسواد شد. همیشه

بودند. او آن جوړه بوت سرخ را که بین یک دستمال مخمل بین صندوقش گذاشته بود، فراموش کرده بود. او حتا نتوانسته بود مادر شادی برای کودکش باشد. نتوانسته بود آزادی را به کودکش نشان دهد. چیزی را که خودت تجربه نکنی، نخواهی توانست به دیگران بدهی. آن دخترک گل‌دوز زیبا که روزی پشت شیشه‌های یک دکان کفش‌فروشی عاشق یک جوړه بوت سرخ شده رفته بود و به جایش زنی شکسته و خسته‌دل که چشمانش هیچ فروغی نداشت، آمده بود. جوړه‌ی بوت‌های سرخ تمثیلی از شور، جوانی و علاقه‌ی صدها زن در افغانستان است. زنانی که روزی دخترکانی جوان بودند، با هزاران آرمان و آرزو و شور آرزوهای سرخ و سبز و آبی.

دخترانی که در خانه‌های پدر به جرم دختر بودن محدود شدند، به هزاران حد و حدود، به آن‌ها گفته شد که بلند نخندند، صدای‌شان بالا نرود موهای‌شان را باد و آفتاب نبینند، از شعر و عشق و موسیقی گپ نزنند و در آخر بوت‌های سرخ را هم در کوچه‌ها به پا نکنند. زمانی که فکر می‌کردند، خانه‌ی شوهر قبله‌ی آرزوهای گم شده‌ی آن‌ها است و با رسیدن به سن عروسی و رفتن به خانه‌ی بخت، تمام آزادی‌های شیرین و کوچک به دست‌شان خواهد رسید، حال آن‌که این خیالی خام بود. برای بسیاری از آن زنان خانه شوهر قتل‌گاه آرزوها و آرمان‌های دخترانه‌شان شد.

جوړه بوت سرخ، تمثال صدها آرزوی خاک شده است. هزار دل خوشی خرد و کلان که در پشت در خانه‌های

صلحی که در انتظارش هستیم



سگ مادر خود... ای تو بی‌شرف!

فقط از لحن‌مان باید فهمید که در حال محبت ورزیدن هستیم. نمی‌گویم این‌ها خوب است، اما حداقل هنوز به هم عشق می‌ورزیم، به هر طرحی که باشد. اگرچه ظاهراً زخم خورده‌ایم، اما ماهیت همان است، عشق و محبت. تمام دید مثبت‌گرایانه‌ام را وادار کردم تا این‌ها را ببیند، وگرنه شوربختانه کم نیست جراحات‌های دست‌نخورده‌ی این سرزمین!

مادرم! میهنم!

شرمنده‌ام! بسیار خجلم! از جفاهای‌مان، از نامردی‌های‌مان، از بی‌تفاوتی‌های‌مان، از تبریایی که با دستان خودمان بر ریشه‌ات کوبیدیم. به چشم‌هایت خیره شدیم و تو را زخمی کردیم. دقیقاً این‌جا است که دچار آشفته‌گی می‌شوم. اگر ما تمام تلاش‌مان را کردیم، اما هنوز در این وضع وخیم باقی ماندیم، پس یعنی کافی نبوده است.

بلی، یعنی تمام تلاش ما کافی نیست، کمی بیش‌تر از حد توان باید انجام داد برای این کشور. وگرنه توان ما قد نمی‌دهد. واقعاً نمی‌توانیم هم‌دیگر را تحمل کنیم و به دور از نگاه تبعیض‌گرایانه با هم روبه‌رو شویم.



پدرانه و شوهرانه مدفون شد و کسی نپرسید که این دخترک، این پرنده‌ی کوچک آبی، آیا رویای پرواز دارد؟

این روزها، بیش‌تر از هر زمانی از دست‌آوردهای زنان در جامعه افغانستان حرف زده می‌شود. چیزی که میان حرف‌های مختلف، سمینارها و گفت‌وگوها و اخبار گم می‌شود، این است که تمام مشکلات زنان افغانستان صرفاً قوانین نیست.

تلاش بر سر اصلاح قوانین ادامه دارد. قانون‌گذاران و جامعه مدنی سخت در تکیا‌پوی تغییر قوانین به نفع زنان هستند. اما آن‌چه از چشم جامعه روشن‌فکر افغانستان پنهان مانده است، ضرورت اصلاح فرهنگ‌های اشتباه ما است. بلی، ما نیاز به قوانین حمایت‌کننده داریم، اما مگر چند درصد از مشکلات زنان در افغانستان به مراجع قانونی می‌رسد؟ بیش از قانون ما نیاز به اصلاح فرهنگی داریم که در پاره‌ای از موارد پوسیده است؛ فرهنگی که دختر را نه انسانی آزاد و مختار و صاحب عقیده، بلکه یک موجود دایم‌الخطا می‌داند که حتماً باید مسوولی برای نظارت بر کارهایش داشته باشد. خواه پدری تندخو، برادری سخت‌گیر یا شوهری که تنها او را در اتاق خواب می‌شناسد.

بوت‌های سرخ قصه ناگفته زنان بسیاری در افغانستان است؛ آنانی که دخترانی سرشار از زنده‌گی به دنیا آمدند و پیرزنان خسته و شکسته‌دل دنیا را ترک می‌کنند، بدون آن‌که حتا یک بار لذت پوشیدن جوړه‌ی بوت‌های سرخ را چشیده باشند.

ما در کنار هم نمی‌توانیم خوش باشیم، چون ما زاده‌ی جنگیم و سال‌ها رو به روی هم فهمیده یا نفهمیده به هم زخم زده‌ایم، طعنه زده‌ایم و طعنه شنیده‌ایم، کشته‌ایم و کشته شده‌ایم. پس این «در توان ما نیست» را باید انجام دهیم؛ یعنی فراتر از توان را. حداقل تمرین کنیم، امتحان کنیم. اگر جمله بدی از هموطن‌مان شنیدیم، بی‌وقفه بر او نتازیم. کمی صبور باشیم!

جمله بدش را بگذاریم پای روز سختش که نتوانسته لقمه نانی در دهان فرزندش بگذارد. باید گذشت کنیم. واقعاً ما از همه چیز بیش‌تر به گذشت نیاز داریم. می‌دانم این جراحات‌های عمیق به زودی خوب شدن ندارد، اما دواى آن آهسته و پیوسته مداوا کردن است. همیشه می‌گویم اگر سواد در بهتر شدن کیفیت زنده‌گی و در بارور کردن میوه عشق فایده‌مند نباشد، پس چه به درمان می‌خورد؟

خواننده‌گان عزیز!

می‌خواهم بدانید که به عنوان یک هم‌درد و شریک غم‌های‌تان، به عنوان کسی که اگرچه شما را نمی‌شناسد اما دردهای‌تان را زنده‌گی کرده است، بسیار دوست‌تان دارم!

برایم فرقی ندارد که شیعه یا سنی، سیک یا هندو، پشتون یا هزاره، تاجیک یا اوزبیک، پش‌های یا براهوی، ایماق یا ترکمن هستی، همین که انسان هستی و مثل من در زنده‌گی جاهایی شکست خوردی و جاهایی پیروز شدی، زمانی ناامید شدی و گاهی امید بخشیدی، برایم کافی است.

بیا با هم تاریخ را از نو بسازیم، بیا ساکت نمائیم، کاری کنیم تا حال‌مان بهتر شود و نیز حالی را بهتر کنیم. بیا روی مولانا و بلخی را، رابعه و ثریا را، رحمان بابا و امان‌الله را سپید کنیم. از هم دوری نکنیم، همه را در آغوش بگیریم. منتظر لحظه‌ای باشیم که نوبت خوش‌بختی ما برسد، به جز این‌که تلاش کنیم خودمان را برسانیم، دستی را بگیریم و کسی را هم بلند کنیم. این افغان بودن است! این انسان بودن است! در نهایت این همان صلحی است که سال‌ها است در آرزویش هستیم!

اهمیت مشارکت جوانان در روند صلح



پرویز مصمم

مثبت در نظر گرفته شود. جوانان به عنوان سازنده‌گان صلح، به دلیل مشارکت اجتناب‌ناپذیر در «بازسازی» اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و ایجاد آشتی میان نسل‌ها، نقش اساسی در اجرای توافق‌نامه‌های صلح دارند. مشارکت جوانان برای تاثیرگذاری بر مذاکرات صلح از طریق راه‌های خلاقانه و جای‌گزین، که غالباً غیررسمی تلقی می‌شود، باید به عنوان پل حیاتی شناخته شود که فرایندهای رسمی را شکل می‌دهد و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. باید یک تغییر الگو در چگونگی طراحی و اجرای مذاکرات صلح، با مشارکت از همان ابتدا با جوانان در نظر گرفته شود. علاوه بر این، یک روند صلح تنها در صورتی می‌تواند شامل جوانان شود که تنوع هویت جوانان را تشخیص دهد. در رسمیت بخشیدن به جوانان، جنسیت، نژاد، مذهب، طبقه اجتماعی، فرهنگ و وابستگی‌های سیاسی باید از طریق درگیری و حساسیت متناسب با رویکردهای «بدون آسیب» تجزیه و تحلیل شود. همان‌طور که جوانان از نظر هویت‌ها و نقش‌های گوناگون در روندهای صلح قرار دارند، باید مشارکت آن‌ها را به عنوان پدیده‌ی چندبعدی، یک‌پارچه و به‌هم‌پیوسته با سایر دستورالعمل‌ها درک کرد.

در نهایت می‌توان چنین استنباط کرد که مشارکت و سهم جوانان در روندهای مهم سیاسی به ویژه صلح، سرنوشت‌ساز و حیاتی است. در کشورهای چون افغانستان که بیش از ۶۰ درصد نفوس آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند، بهتر است که مشروعیت هر روند با مشارکت معنادار این قشر تضمین شود. در شرایط کنونی که مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه جریان دارد، لازم و ضروری است که تلاش‌ها برای مشارکت جوانان هم در اتاق مذاکره و هم بیرون از آن پررنگ‌تر شود. جوانان افغانستان در این شرایط باید بیش‌تر فعال باشند تا از طریق راه‌اندازی گفت‌وگوهای علمی، تجمعات مدنی و راه‌اندازی دادخواهی در صفحه‌های مجازی فشار لازم روی روند مذاکره آورده و به خاطر سهم معنادارشان هم‌چنان در میدان دفاع از حقوق‌شان بمانند.

یک ضرورت جمعیتی است، بلکه یک نیاز دموکراتیک و روش مهم برای پاسخ‌گویی نهادها نسبت به وظایف آن‌ها در برابر هنجارهای قانونی و افرادی است که برای خدمت به آن‌ها تلاش می‌کنند. با وجود موانع، جوانان از طریق نقش‌ها و ابتکارات مختلف، به طور فعال بر روند صلح تاثیرگذار اند. همیشه تاکید بر آن نیست که جوانان باید در داخل اتاق مذاکره و یا در گوشه‌ای از میز مذاکره حضور داشته باشند. نکته مهم، نزدیکی جوانان به توافق‌نامه صلح در داخل اتاق مذاکره لزوماً با تاثیر بر توافق ارتباط ندارد. هر چند حضور آن‌ها در داخل اتاق مذاکره، به عنوان ناظر یا مستندکننده، ممکن است به اندازه جنبش‌های هدایت شده توسط جوانان در خارج از اتاق، قدرت نداشته باشد. قدرت جوانان را می‌توان به بهترین وجه در اعتراض‌های گسترده یا فعالیت‌های رسانه‌های اجتماعی برای صلح پیدا کرد که این رویکرد کاوش شده برای افزایش مشروعیت و مالکیت جوانان در روند صلح است.

علاوه بر آن، جوانان اکثریت گروه‌های نظامی و مسلح را تشکیل می‌دهند. شناخت جوانان به عنوان ذی‌نفعان در میز مذاکره صلح برای اطمینان از ادغام نیازها و منافع آن‌ها در طی این فرایندهای تقسیم قدرت بسیار حیاتی است. بنابراین، پی بردن دقیق به مفهوم مشارکت به ویژه مشارکت جوانان، روشی قدرتمند برای بهبود خلع سلاح، لشکرکشی و ادغام مجدد بخش‌های امنیتی و فرایندهای اصلاح عدالت کیفری است. در مشارکت جوانانی که در بازسازی صلح، اعتماد و سازش کار می‌کنند، باید اولویت‌بندی برابری داشته باشند.

در صورت شمولیت جوانان در روند صلح، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت برای حفظ صلح وجود دارد. این را هم نباید فراموش کرد که با گوش دادن به خواسته‌های جوانان مخالف فرایندهای صلح و رفع نیازهای فوری پس از جنگ مبارزان جوان، می‌توان به ثبات کوتاه‌مدت مذاکرات و توافق‌نامه‌های صلح دست یافت. به این حال، برای حفظ صلح، مشارکت جوانان باید از زاویه صلح

و نوآورانه، چنین تلاش‌هایی را تحت تاثیر قرار دهند، از نظارت بر آتش‌بس تا رسیده‌گی به اختلاف در سطح محلی، از تهیه و شکل‌گیری معاملات صلح تا استفاده از فناوری و رسانه‌های اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشخص شده جهت رفاه و پیش‌رفت یک جامعه. در این نیز شکی نیست که جوانان انرژی و تعهد قوی در قبال مردم برای ایجاد و حفظ صلح، نقش بسیار ارزش‌مندی دارند.

در حال حاضر، در سراسر دنیا، زنان و مردان جوان در تلاش برای عدالت، شمولیت، برابری جنسیتی و حقوق بشر هستند. دبیر کل سازمان ملل متحد به این باور است که ما باید از قدرت آن‌ها (جوانان) به عنوان محرک فرهنگ صلح، نهایت استفاده را ببریم. او تاکید می‌کند که من از سیاست‌گزاران، واسطه‌ها، رهبران جامعه و سازنده‌گان صلح می‌خواهم که پیام‌ها و توصیه‌های اصلی سازمان ملل به خاطر سهیم ساختن جوانان در روندهای مهم از جمله صلح را با قاطعیت پی‌گیری و عملی کنند.

صلح و جوانان

در سراسر جهان، جوانان به طور فعال برای ایجاد صلح و جلوگیری از خشونت کار می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند در مذاکرات صلح جاری صدای‌شان شنیده شود و اهمیت پیدا کند. طی دو دهه گذشته بیش از ۱۰۰۰ توافق‌نامه صلح در سطح جهان امضا شده است، اما متأسفانه تاکنون هیچ موردی به ثبت نرسیده است که نقش و تاثیر جوانان در این روندهای صلح را ارزیابی کرده باشد. مذاکرات صلح بدون شک در تصمیم‌گیری در روند صلح نقش اساسی دارد. این یک مرحله اساسی است که در طی آن جوانان هم‌چنان از نظر سیاسی حاشیه‌ساز، طرد و کم‌ارزش می‌شوند. به همین دلیل باید در جریان مذاکرات صلح، نقش و مشارکت معنادار جوانان به نمایش گذاشته شود.

جوانان امروزه اکثریت جمعیت را در کشورهایی که به دنبال صلح‌اند، تشکیل می‌دهند. تعامل با جوانان نه تنها

در روند صلح، نیاز است صدای تمام اقشار جامعه شنیده شود. روی همین موضوع، مقاله زیر تلاش می‌کند تا نقش و اهمیت بین‌المللی مشارکت جوانان در روند صلح را واضح بسازد. متأسفانه جنگ کنونی افغانستان یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های معاصر دنیا است؛ جنگی که قریب به ۲۰ سال طول کشید و خسارات مادی و مالی زیادی برجای گذاشت. هر چند دوره تاریک طالبان و جنگ‌های ۲۰ سال اخیر هرگز فراموش تاریخ و مردم افغانستان نخواهد شد، اما انگار چاره‌ای جز صلح نیست. در این جنگ در کنار دیگر اقشار جامعه، جوانان بهای زیادی را پرداختند. اکنون که مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه‌ی قطر جریان دارد، می‌خواهم این نوشته را به جوانان کشور، به ویژه چند نماینده جوان که در این مذاکرات شرکت کرده‌اند، تقدیم کنم. هدف اصلی این نوشته این است که مشارکت و سهم جوانان براساس قطع‌نامه‌های بین‌المللی نباید نادیده گرفته شود.

مشارکت جوانان در روند صلح در سطح بین‌المللی حایز اهمیت زیادی است. قسمی که در اجرای قطع‌نامه‌های ۲۲۵۰ (۲۰۱۵) و ۲۴۱۹ (۲۰۱۸) شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد جوانان، صلح و امنیت موضوعات ارزنده‌ای اشاره شده است. بحث اصلی این قطع‌نامه‌ها شمولیت/مشارکت پرمعنای جوانان در تمام روندهای صلح است. در این قطع‌نامه‌ها به وضاحت بیان شده است که مشارکت جوانان می‌تواند مشروعیت و پایداری فرایندهای صلح را افزایش دهد. برای تحقق این موضوع و حرکت از محرومیت به سوی شمولیت معنادار، باید هنجارها، عمل‌کردها، رویکردها و نگرش‌ها را تغییر داد و جوانان را برابر و قدرتمند دانست. بدون شک جوانان بازی‌گرانی‌اند که می‌توانند به طور مثبت در همه‌ی مراحل و همه‌ی جنبه‌های روند صلح سهیم باشند.

این نوشته به دنبال آن است که برای مخاطبان (جوانان) به طور بسیار فشرده بفهماند که کجا و چگونه در روند صلح و میانجی‌گری شرکت کنند. از سویی هم این‌که چگونه جوانان می‌توانند با استفاده از رویکردهای متنوع



خلیل رسوایی

افزایش چشم‌گیر قیمت مواد اولیه ساختمانی در هرات جنجال‌آفرین شده است. مسوولان اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات مدعی‌اند، دلیل افزایش قیمت مواد ساختمانی نبود ظرفیت برای

ترخیص کالای وارداتی در گمرک و اخذی و کم‌کاری کارکنان اداره استندرد این ولایت است.

یونس قاضی‌زاده، رییس اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید بر اساس مشکلاتی که در گمرک است، بازرگانان نمی‌توانند مواد و کالای وارداتی را در زمان مناسب ترخیص و بارگیری کنند و کرایه انتقال یک تن سمنت از ۲۰ دالر به ۶۰ دالر افزایش یافته است.

او ادعا می‌کند، دلیل دیگری که تاثیر مستقیم بر افزایش قیمت مواد ساختمانی داشته، اخذی و کم‌کاری‌های اداره نورم و استندرد است. بر پایه‌ی شکایت‌نامه‌ای گروهی تاجران واردکننده‌ی مواد اولیه ساختمانی در هرات که در اختیار روزنامه‌ی هشت صبح قرار گرفته نیز بر اخذی و کم‌کاری کارکنان اداره‌ی نورم و استندرد اشاره شده است.

در شکایت‌نامه‌ای که از سوی برخی بازرگانان هرات عنوانی اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری این نگاشته شده و نسخه‌ای از آن در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته است، از بلند بودن قیمت «حق‌الخدمت» برخی از مواد اولیه ساختمانی شکایت شده است. در این نامه اعتراضی، تاجران واردکننده مواد ساختمانی در هرات، از بلند بود حق‌الخدمت مواد اولیه ساختمانی شکایت دارند.

بر اساس «جدول نرخ حق‌الخدمت آزمایش مواد وارداتی» آمریت استندرد هرات، در بدل آزمایش نمونه یک تن سمنت ۲۰۰ افغانی و یک تن سیخ گول و انگلارن ۲۵۰

چرا بهای مواد ساختمانی در هرات افزایش یافته است؟

یگانه راه حل مشکلات پیش آمده در قسمت افزایش قیمت مواد ساختمانی را در فعال‌سازی کارخانه سمنت هرات می‌دانند.

وی می‌افزاید که شرکت‌های خصوصی علاقه‌مند هستند تا برای فعال‌سازی کارخانه سمنت ولایت هرات سرمایه‌گذاری کنند، اما طی مراحل و دریافت جواز از وزارت معادن و پترولیم بسیار پیچیده و وقت‌گیر است و این روند تاجران و سرمایه‌گذاران را دل‌سرد کرده است. با این که روزانه ۲۰۰ موتر مواد اولی ساختمانی از بندر اسلام‌قلعه وارد هرات می‌شود، اما در چند روز گذشته مردم از افزایش ناگهانی مواد ساختمانی شکایت دارند و ساخت‌وسازها در این ولایت با افزایش قیمت‌ها کاهش یافته است. به دنبال اعتراض بازرگانان هرات مبنی بر وجود فساد در آمریت استندرد این ولایت، برخی از مقام‌های ارشد این نهاد از سوی ریاست جمهوری به سارنوالی معرفی شدند.

پیش از این، اعضای رهبری اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات، از وجود فساد گسترده و باج‌گیری در اداره استندرد این ولایت شکایت بودند. به ادعای آنان، بازرگانان برای انتقال اموال‌شان در بزرگ‌راه‌ها به زورمندان باج می‌دهند و نمی‌توانند به اداره استندرد هم باج بدهند.

اتاق اصناف و پیشه‌وران هرات، اداره استندرد را «دکانی برای باج‌گیری» عنوان کرده و فساد گسترده در این نهاد را نگران‌کننده دانسته بود، اما تمام ادعاهای مطرح شده توسط بازرگانان از سوی مقام‌های اداره استندرد هرات رشد می‌شود.

شورای وزیران است و این اداره هیچ نقشی در این زمینه ندارد.

شماری از فروشنده‌گان مواد اولیه ساختمانی نیز از افزایش قیمت‌ها ابراز نگرانی کرده و از آفت بازار فروش‌شان سخن می‌گویند. خالد نجیبی، از فروشنده‌گان مواد ساختمانی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید پس از افزایش ۵۰ درصدی قیمت سمنت و افزایش چشم‌گیر قیمت سیخ گول و انگلارن فروش آن‌ها به شدت کاهش یافت و کارهای ساختمانی کم‌تر شده است.

او می‌افزاید، یک بوجی سمنت در گذشته به بهای ۲۲۰ افغانی به فروش می‌رسید، اما حالا قیمت آن از مرز ۳۰۰ افغانی گذشته است. شماری از افرادی که مشغول ساخت‌وساز خانه هستند از افزایش ناگهانی قیمت مواد ساختمانی به ویژه سمنت و سیخ گول به شدت ابراز نارضایتی می‌کنند.

جمیل حیدری، از ساکنان هرات، که به تازه‌گی کار ساختمانی را شروع کرده است، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید تا هنگامی که بهای مواد ساختمانی کاهش پیدا کند، روند ساخت‌وساز را متوقف کرده است. او هم‌چنان نگران این است که تا شروع سرما کار ساختمانش تمام نشود و نتواند از آن استفاده کند. بر پایه گفته‌های آمر استندرد هرات، روند تثبیت کیفیت برخی از مواد ساختمانی طولانی است و در زمینه‌ی طی مراحل درخواست‌های تاجران هیچ کار شکنی‌ای صورت نگرفته و کارکنان اداره‌اش از ۲۴ ساعت ۱۸ ساعت را برای ورود کالای با کیفیت صرف می‌کنند. یونس قاضی‌زاده، رییس اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات،

افغانی از واردکننده‌گان پول دریافت می‌شود. در این شکایت‌نامه که ۴۰ شرکت واردکننده مواد ساختمانی آن را تأیید کرده‌اند، بر علاوه از اخذی و سرگردانی تاجران در آمریت استندرد، از معیاری نبودن دستگاه‌های «تثبیت کیفیت» این اداره نیز شکایت شده است.

یونس قاضی‌زاده، رییس اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «اداره استندرد همیشه کارشکنی کرده و سنگ تهاذب این اداره با فساد گذاشته شده است.» از جانب دیگر، مسوولان آمریت استندرد ولایت هرات اتهام‌ها بر علیه اداره‌ی‌شان را بی‌اساس می‌خوانند.

او ادعا می‌کند که اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری، از ورود کالای باکیفیت به کشور حمایت می‌کند، اما آمریت استندرد از تمام محموله‌های مواد ساختمانی اخذی کرده و برای تاجران بهانه‌تراشی می‌نماید و روند طی مراحل اسناد در این اداره به شدت دشوار است.

خیبر مثمر، آمر استندرد هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید تمام فعالیت‌های اداره‌اش بر اساس قانون است و هیچ اخذی در کار نیست. آقای مثمر می‌افزاید، مبالغی که از تاجران واردکننده مواد ساختمانی دریافت شده بر اساس طرز‌العمل این اداره است که در شورای وزیران فیصله شده و آمریت استندرد هیچ نقش یا صلاحیتی در تعیین حق‌الخدمت در برابر کالای وارداتی ندارد.

آمر اداره استندرد هرات می‌پذیرد که حق‌الخدمت برخی از کالای وارداتی زیاد است، اما تاکید می‌کند که این مسأله را به اداره ملی نورم و استندرد در مرکز رسانده و تعیین مبلغ حق‌الخدمت کالای وارداتی، از صلاحیت



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: صاحبان مسوول: معاون مدیر مسوول: خبرنگاران: ویراستار: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی‌شاه حقمیل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه علی نظری، س.نوبین

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت ویدیو: حسن آذر مهر پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵۰، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان ۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

